

بحران و جنگ سرمایه‌داری، عامل و مولد آواره‌گی و پناهنده‌گی

هر روز فجایع و جنایاتی تازه، تکان‌دهنده و زجرآوری توسط خبرگزاری‌ها، به جهان مخابره می‌شود. مشاهده‌ی تصاویر، بسیار غم‌انگیز و دردناک است. موج انسان‌هایی که در اثر سیاست‌های حاکمان، زندگی‌شان به تباهی کشیده می‌شود، هم‌چنان رو به بالاست. غرق شدن ده‌ها کودک، زن و مرد و جوان، در دریا، اقیانوس و هم‌چنین کشف جسد ۷۱ تن در کامیون، در چند هفته‌ی اخیر، بازگفت تراژدی‌ست که جهان انسانی با آن رو در رو می‌باشد. از یک‌سو جنگ و مصیبت را به میلیون‌ها انسان دردمند تحمیل نموده‌اند، از سوی دیگر، مانعی خروج قربانیان نظام‌های امپریالیستی از فضای بمب و بمباران، خشم و خشونت‌اند.

حقیقتاً که درک ریشه‌ای این دست موضوعات، کار سخت و دشواری نیست. تصور کار معین است و مربوط به اوضاعی است که سرمایه‌داران جهانی برای کارگران و زحمت‌کشان ساخته‌اند. آن‌قدر بر دامنه و بر میزان ناامنی‌ها و جنگ‌ها افزوده‌اند، که انتخاب آینده‌ی نامعلوم، به یگانه انتخاب دردمندان و قربانیان نظام‌های ظالم تبدیل گردیده است. فرار میلیونی انسان‌ها از میادین جنگ‌های ارتجاعی و به تبعی آن، تحمل خطرات متعدد، چهره‌ی جهان کنونی را تغییر داده است. در حقیقت توضیح و توصیف کامل دردهای بی‌شمار انسان‌های بی‌دفاع ناممکن می‌باشد و به جرأت می‌توان گفت، که جان آدمی در چنین مناسبات و با وجود دولت‌مردان زیاده‌خواه و استثمارگر، بی‌ارزش و بی‌معنا شده است. مرزها برای انتخاب زندگی چیده شده است، ورود به "حریم" حاکمان قلدر، هزینه‌های بس گزافی خواهد داشت. یورش وحشیانه‌ی پلیس سرمایه و به اصطلاح دولت چپ‌گرای یونان، به صدها انسان فرار از جهنم، آتش و خون، روشن‌گر ماهیت درونی و چهره‌ی کریه دولت‌مردان وابسته به طبقات بالاست.

این‌ها گوشه‌هایی هر چند کوچک از سیمای دنیای در هم پاشیده‌ی کنونی‌ست و به‌طور یقین، دو نگاه و دو برخورد عملی متفاوت، نسبت به معضلات اجتماعی و هم‌چنین نسبت به مهاجرین و پناهنده‌گان وجود دارد. اول نگاه مردم و دیگری نگاه دولت‌مردان و حکومت‌مداران، نسبت به این‌دست قضایاست. در نگاه اول، خالصی، هم‌دلی، هم‌یاری و پشتیبانی مردم از هم‌نوعان خود را می‌توان، بروشنی و در عکس‌العمل‌های زود هنگام، مشاهده نمود. تظاهرات چند صد هزار نفری مردم اتریش در فردای پس از کشف جسد ۷۱ تن و به‌دنباله‌ی آن، عزیمت به نوارهای مرزی به‌منظور یاری رساندن به کودکان، زنان، مردان و جوانان رانده شده از موطن خودی، و هم‌چنین امضای نزدیک به نیم میلیون نفر در انگلستان و آن‌هم در حمایت از آواره‌گان و جنگ‌زده‌گان طی دو سه روز، گواهی این ادعاست، که تفاوت بس عظیمی، مابین نگاه و برخورد پائینی‌ها با بالائی‌ها، پیرامون پدیده‌ی پناهنده‌گی و قربانیان نظام‌های امپریالیستی‌ست. در این میان سهم و حرکت مردم رسا و گویاست و در عوض، سهم و برخورد دولت‌مردان - و آنهم به‌عنوان مسببین حقیقی این دست فجایع -، بسیار آشکار و صریح می‌باشد. به طور مثال «فیلیپ هاموند» وزیر خارجه بریتانیا می‌گوید: "اگر اروپا قرار باشد میلیون‌ها مهاجر از آفریقا را جذب کند، قادر به محافظت از خود و حفظ استاندارد زندگی و زیرساخت‌های اجتماعی خود نخواهد بود".

وقیحانه است چنین اظهار و نظرات و در قاموس این جانیان، ریاکاری و دغل‌بازی، اندازه و حد و مرزی ندارد. دولت‌مردان انگلیس به همراه یاران‌شان و آن‌هم در سرتاسر دنیا، سیاست ریاضت‌کشی را به میلیون‌ها انسان محروم تحمیل نموده‌اند و استانداردهای زندگی را به پائین‌ترین ممکن رسانده‌اند، میلیون‌ها انسان را از کار، بیکار و هزاران کودک و والدین‌شانرا به مراکز کمک‌های غذایی روانه ساخته‌اند، و در همان حال دارند، از حفظ استانداردهای زندگی مردم، و سفت و چفت‌تر نمودن زیرساخت‌های جامعه‌ی خودی سخن به‌میان می‌آورند!! تعرض یکی پس از دیگری و هم‌چنین قطع امکانات و مزایای اجتماعی، یکی پس از دیگری به سیاست روزانه‌ی دولت‌مردان انگلستان تبدیل گشته است و آمارها - و بر خلاف گفته‌های «فیلیپ هاموند» -، حکایت از واقعیات دیگری دارد. حلقه‌ها، تنگ‌تر و زندگی مردم تیره‌تر و دست‌آوردها،

دارد لگدمال و جامعه، درب و داغان‌تر می‌شود. از یک‌طرف و در بیرون از جامعه‌ی خودی، دارند جنگ به‌راه می‌اندازند و از طرف‌دیگر، راه‌های خروج از باتلاق دست‌سازشانرا، به روی زن، کودک، پیر و جوان می‌بندند تا مبادا، روز و روزگاری، "استانداردهای زندگی مردم" و "زیرساخت‌های جامعه"ی‌شان افت نماید!!

دروغ می‌گویند و کار و بارشان، سازنده‌گی و بهبودی زندگی مردم خودی نیست. چرا که انسان‌ها در چهارچوبه‌ی فکری علیل‌شان، به‌عنوان کالاهای سودده به‌حساب آمده و فاقد پائین‌ترین ارزش‌های انسانی‌اند و شکی در آن نیست، که صدها مصائب رو در روی مردم جامعه‌ی خودی، و همچنین پدیده‌ی مهاجر و پناهنده‌گی میلیون‌ها انسان، را باید و می‌بایست به پای سیاست‌های دولت‌مردان بین‌المللی و دیگر دار و دسته‌های مزدورشان نوشت. این جانیان، کار، وقاحت و دریده‌گی را به حدی رسانده‌اند که در مقابل چشمان میلیون‌ها انسان، دارند به بی‌دفاع‌ترین و صدمه‌پذیرترین افراد و آن‌هم در مقابل زنان و کودکان خردسال‌شان، یورش می‌آورند و به ضرب و شتم آن‌ها می‌پردازند، تا مسیر و سیاست سرمایه، در تپه چاله‌های کنونی، از کار نی‌افتد. براستی، سؤال این است که چرا انسان‌ها حاضر به ترک زندگی و خانه و کاشانه‌ی خود می‌شوند و با علم به تحقیر و توهین، و با رویارویی با مرگ، به دنیا و به آینده‌ای نامعلوم و بی‌افق، پای می‌گذارند؟

در یک کلام، پاسخ به پرسش بالا، در جنگ‌های امپریالیستی و در سیاست‌های تحمیلی و منفعت‌جویانه‌ی قدرت‌مداران بین‌المللی‌ست، در مقابل، پاسخ انقلابی و کمونیستی به وضعیت کنونی هم، در گرو نابودی و در به زیر کشیدن سلطه‌ی عده‌ای قلیل، از تاج و تخت‌شان می‌باشد. کتمانی در این حقیقت نیست که تا زمانی، سیاست و مناسبات ظالمانه‌ی امپریالیست‌ها بر جوامعی متفاوت بر کنده نه‌شود، ابعاد جنگ، آواره‌گی و پناهنده‌گی، و صدها معضل سیاسی - اجتماعی دیگر، وسیع‌تر و گسترده‌تر، و همچنین میلیون‌ها انسان دیگر، با فجایع و با جنایات تازه‌تری روبرو خواهند شد. به عبارتی روشن‌تر، قرن بیست‌ویکم، قرن توحش وسیع‌تر و قرن جنگ، خون و خون‌ریزی گسترده‌تر کارگران و زحمت‌کشان و محرومان خواهد بود. سیاست و اعمالی که ما این‌روزها، گوشه‌هایی از آن را، داریم در مناطق و در قاره‌های متفاوت جهان کنونی به‌عینه مشاهده می‌کنیم. طبعاً چنین وضعیتی، خواست میلیون‌ها انسان و توده‌های دردمند نیست؛ این انتخاب سازنده‌گان اصلی جوامعی بشری نیست بلکه خواست و سیاست سرمایه‌داران بین‌المللی‌ست. بنابراین بر گرداندن صفحه‌ی این بخش از تاریخ زنده‌گی فلاکت‌بار میلیون‌ها انسان رنج‌دیده، در گشودن صفحه‌ای تازه می‌باشد؛ صفحه‌ای که سخن از آرامش و صلح، و صفحه‌ای که متضمن آزادی و امنیت انسان‌ها در جوامعی خودی، و همچنین، صفحه‌ای که در آن سخن از ختم پرونده‌ی بانیان و مسببین اوضاع کنونی می‌کند.

شباهنگ راد

مندرج در نشریه‌ی پیام سیاهکل، ارگان سازمان ۱۹ بهمن، شماره‌ی ۲۹، شهریور ۱۳۹۴

بازگشت